

راهبردهای سیاسی صادقین(ع) در مواجهه با انحرافات سیاسی و فرهنگی

سیدابراهیم معصومی*، محسن مهاجرنیا**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۱

تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۴/۳۱

سیاست متعالیه

- سال چهارم
- شماره سیزدهم
- تابستان ۹۵

راهبردهای سیاسی
صادقین(ع) در
مواجهه با انحرافات
سیاسی و فرهنگی
(۲۵ تا ۴۴)

چکیده

نوشتار حاضر با مطالعه‌ی تاریخی و با رویکرد سیاسی، مشکلات و انحرافات جامعه‌ی اسلامی عصر امام باقر و امام صادق(ع) را بررسی کرده و بر اساس الگوی روشی SWOT جامعه‌ی شیعی را از بعد داخلی (به لحاظ قوت‌ها و ضعف‌ها) و خارجی (به لحاظ فرصت‌ها و تهدیدها) مورد بحث و فحص قرار داده است. محصول نهایی این پژوهش، شناسایی راهبردهای سیاسی موردنظر درباره‌ی نحوه‌ی مواجهه و برخورد با انحرافات سیاسی و فرهنگی توسط صادقین(ع) است؛ لذا با تلفیق الگوی راهبردی ضعف – تهدید، به راهبردهای سیاسی: تقیه، مدارا، تولی و تبری برای شیعیان آن دوره منتهی می‌شود.

واژه‌های کلیدی:

راهبرد صادقین(ع)، راهبرد سیاسی، انحرافات سیاسی – فرهنگی، تقیه، مدارا، تولی و تبری.

* کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و عضو انجمن مطالعات سیاسی حوزه
(Masoumi2828@gmail.com)

** استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و عضو انجمن مطالعات سیاسی حوزه
(Mohajernia99@yahoo.com)

بعد از دوره‌ی پیامبر (ص) جامعه‌ی اسلامی به دلیل بحران جانشینی نتوانست در مسیر اصلی ادامه یابد و رهبری امت اسلامی در میان امویان و عباسیان مصادره گردید و امامان معصوم (ع) که به حق شایسته‌ی خلافت بعد از ایشان بودند، از صحنه‌ی سیاسی جامعه‌ی اسلامی کنارزده شدند. بعد از شهادت امام حسین (ع) حاکمیت موجود، از حضور ائمه (ع) در جامعه احساس خطر کردند؛ لذا برای حفظ حکومت خودشان، امامان معصوم و جامعه‌ی شیعی را در تنگناهای شدیدی قرار دادند. در چنین شرایطی ائمه (ع) برای حفظ هویت و بقای شیعیان، آن‌ها را امر به تائیک تقیه و اختفای اسرار می‌نمودند و مبارزه با حاکمیت جور را در اشکال غیرعلنی هدایت می‌کردند. در این میان، امام باقر و امام صادق (ع) در برهه‌ی خاصی از حاکمیت سیاسی (گذر از امویان به عباسیان) حضور داشتند که این برهه نیز، تهدیدها و فرصت‌های خاصی را برای شیعه ایجاد کرده بود. ایشان با وجود مشکلات و سختی‌های فراوان، با ارائه‌ی رهیافت‌ها و استراتژی‌های متفاوتی سعی کردند تا شیعیان را از این پیچ خطرناک تاریخی عبور داده و حیات آن‌ها را در جامعه‌ای که شیعه جایگاهی نداشت، حفظ نمایند. این نوشتار بر این باور است: از آنجایی که جمعیت شیعه در آن شرایط سیاسی - که عرصه بر مکتب اهل بیت (ع) تنگ شده بود - برای برون‌رفت از وضعیت خفقان‌نازمند راهبردهای کارآمدی بوده است که صادقین (ع) بهترین راهبردها را ارائه کرده‌اند. برای تبیین این راهبردها بر پایه‌ی چارچوب «روش سوات»^۱ شرایط سیاسی، تحلیل، ضرورت و اهمیت راهبردهای برون‌رفت از آن شرایط را بیان کرده‌ایم. مقصود از راهبردها در فرآیند دست‌یابی به اهداف، مهم‌ترین عناصر کلیدی هستند که به منزله‌ی پل ارتباطی تلقی می‌شوند. راهبردها، جامعه را از وضع موجود به وضع مطلوب می‌رسانند و با سامان‌دادن به روش‌های دست‌یابی و تاکتیک‌های حرکت، شکاف بین اهداف و تاکتیک‌ها را پر می‌کنند. برخی از محققان آن را به معنای علم و فن توسعه و کاربرد قدرت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی یک ملت به‌هنگام صلح و جنگ به‌منظور تأمین حداکثر پشتیبانی از سیاست‌های ملی و افزایش احتمال پیروزی و تقلیل احتمال شکست تعریف کرده‌اند (روشندل، ۱۳۷۰: ۲۴۲-۲۳۵). گاهی راهبرد با رویکردهای معرفتی در حوزه‌ی دانش، هنر یا فن خاص تعریف شده است؛ گاهی نیز فراخ‌تر از رویکردهای خاص، در معنایی جامع، به مجموعه‌ی ظرفیت‌های سامان‌داده‌شده‌ای از دانش، هنر و فن در به‌کارگیری فرصت‌ها و ظرفیت‌های یک ملت برای تأمین اهداف سیاسی آن استعمال شده است.

روش تحقیق

گروه‌ها و سازمان‌های مختلف برای حفظ موجودیت خود با اتخاذ بهترین و دقیق‌ترین نقشه‌ها و تصمیم‌ها، اهداف خود را دنبال می‌کنند. آن‌ها با بررسی و شناسایی عوامل درونی، مانند: نقاط قوت و ضعف؛ و عوامل بیرونی، مانند: فرصت و تهدید، راهکار و راهبردهای مناسب و دقیقی برای بیرون‌رفتن از وضعیت موجود، جهت رسیدن به وضعیت مطلوب ارائه می‌کنند. لذا مدیریت راهبردی با در نظر گرفتن عناصر: قوت، ضعف، فرصت و تهدید و هم‌چنین با آمیختن این موارد با یک‌دیگر، جهت مقابله و مبارزه با بحران‌های پیش رو، راهبردهای منظم و دقیق را ارائه می‌کند.

نظریه‌ی راهبرد سوات (SWOT) برای اولین بار در سال ۱۹۵۰ مطرح شد. این روش در همان دهه به دلیل موفقیت‌هایی که کسب کرد، به‌عنوان بهترین ابزار مدیریت معرفی و شناخته شد (پیرس، ۱۳۸۰: ۲۷۰). در این روش، ابتدا اهداف و رسالت سازمان یا گروه مشخص شده، سپس در گام بعدی، متناسب با محیط و شرایط آن سازمان یا گروه، برای آن استراتژی طراحی می‌شود. در این مقاله با استفاده از روش مذکور، در مرحله‌ی اول به تجزیه و تحلیل محیط‌های داخلی (جامعه‌ی شیعی) و خارجی (جامعه‌ی غیرشیعی) پرداخته و در مرحله‌ی دوم، راهبردهای مورد نظر را ارائه خواهیم داد.

شکل: نمایش ماتریس‌های مورد استفاده در روش تحلیل SWOT

محیط داخلی

عوامل استراتژیک	فهرست قوت‌ها (S)	فهرست ضعف‌ها (W)
فهرست فرصت‌ها (O)	استراتژی‌های SO	استراتژی‌های WO
فهرست تهدیدها (T)	استراتژی‌های ST	استراتژی‌های TW

محیط خارجی

شکل: نمایش ماتریس‌های مورد استفاده در روش تحلیل SWOT

		محیط داخلی	
	عوامل استراتژیک	W (ضعف)	S (قوت)
محیط خارجی	O (فرصت)	WO	SO
	T (تهدید)	WT	ST

سیاست متعالیه

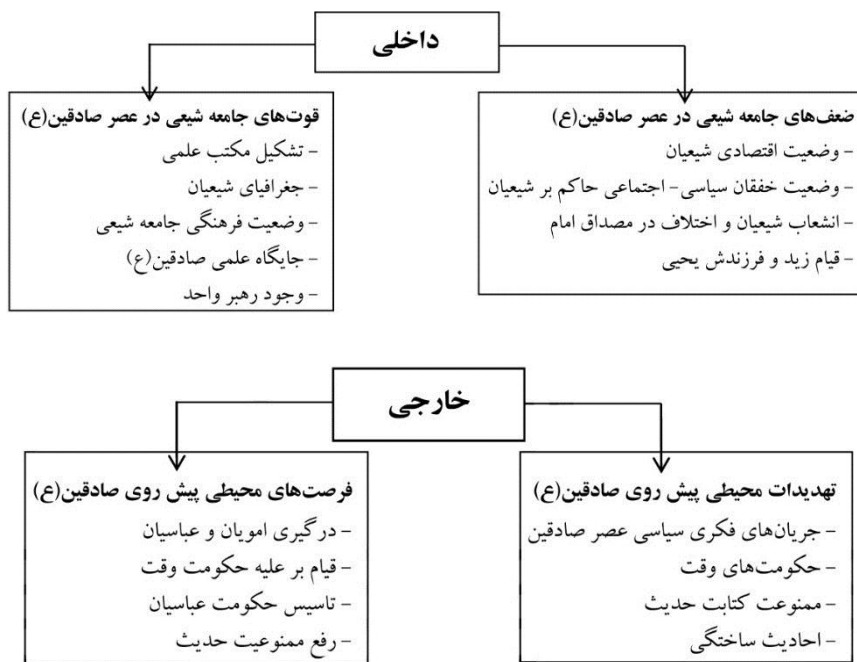
- سال چهارم
- شماره سیزدهم
- تابستان ۹۵

راهبردهای سیاسی
صادقین(ع) در
مواجهه با انحرافات
سیاسی و فرهنگی
(۲۵ تا ۴۴)

شکل: راهبرد ارائه شده با الگوی ضعف - تهدید در روش تحلیل SWOT

	عوامل استراتژیک	w (ضعف)
محیط خارجی	t (تهدید)	w t
	راهبرد ارائه شده	۱. تقیه ۲. مدارا ۳. تولی ۴. تبری

شکل: تجزیه و تحلیل نقاط قوت و ضعف در محیط داخلی و خارجی



شرایط سیاسی، فرهنگی و اجتماعی عصر امامین صادقین (ع)

ویژگی‌های محیط درونی جامعه شیعی:

نقاط قوت

مهم‌ترین نقاط قوت جامعه شیعی در عصر این دو امام بزرگ‌وار عبارت بوده‌اند از:

۱. تشکیل مکتب علمی

امام باقر و امام صادق (ع) با استفاده از شرایط خاص سیاسی جامعه‌ی آن روز و با توجه به جایگاه علمی‌ای که داشتند، پایه‌گذاران بزرگ‌ترین نهضت علمی در عصر تاریکی شدند و مکتب علمی‌ای در ابعاد مختلف عقلی و نقلی تشکیل داده و به تعلیم و تربیت دانشمندان

مختلف پرداختند. در محفل علمی ایشان افرادی چون: محمدبن مسلم، جابر جعفی، زرارة بن اعین، ابوبصیر الاسدی، فضیل بن یسار، محمدبن مسلم الطائفی و بریدبن معاویة العجلی، هشام بن حکم، مؤمن الطاق، مفضل بن عمر جعفی، و... را می توان نام برد (ابن شهر آشوب، ۱۳۹۷ق: ۲۱۱؛ ذهبی، ۱۴۱۹ق، ج: ۱، ۱۶۶).

۲. جغرافیای شیعیان

هسته‌ی اولیه‌ی شیعیان در عربستان شکل گرفت و تا پایان قرن نخست هجری بیشترین فعالیت آن‌ها در مکه و مدینه و چند شهر دیگر عراق بود. البته معارف اصیل تشیع تا حدودی به سایر بلاد اسلامی راه یافته بود. در این میان کوفه در رشد و گسترش تشیع سهم قابل ملاحظه‌ای داشته است و دلیل عمده‌ی تشیع و رشد آن در کوفه، وجود حضرت علی(ع) در دوره‌ی خلافت‌شان در این شهر بوده است. هم‌چنین شهر «بصره» که پس از اسلام در حدود سال ۱۵ هجری پدید آمد. در منابع مختلف تاریخی، از حضور شیعیان در مدائن از دهه‌های نخست تاریخ اسلام نیز سخن گفته شده است (مسعودی، ۱۳۶۷ش، ج: ۱، ۶۶۳؛ طبری، ۱۹۸۷م، ج: ۴، ۳۴۵). مصر نیز یکی از مهم‌ترین سرزمین‌های اسلامی است که در سال ۲۰ به دست مسلمانان فتح شد. مورخین بر این باور هستند که هم‌زمان با ورود اسلام به مصر، تشیع نیز وارد این حیطه‌ی جغرافیایی شده است (مقریزی، ۱۴۱۸ق، ج: ۱، ۸۱۵). هم‌چنین در نیمه‌ی دوم قرن اول هجری در برخی از ایرانیان، خصوصاً مردم خراسان، گرایش به تشیع گزارش شده است (قمی، ۱۳۶۱: ۲۴۰).

۳. وضعیت فرهنگی جامعه‌ی شیعی

بعد از پیامبر(ص) و تثبیت خلافت در خاندان امویان، اقداماتی برای محدود کردن اهل بیت پیامبر(ص) در جامعه‌ی اسلامی و جاهل نگه‌داشتن مردم انجام گرفت؛ این اعمال باعث افول وضعیت فرهنگی جهان اسلام شد (مرتضی عاملی، ۱۴۰۹ق، ج: ۱، ۸۰). در این میان برجسته‌ترین شاخصه‌ی رفتاری شیعیان در عصر رهبری امام باقر و امام صادق(ع) که مانند دوران دیگر ائمه به عنوان فرهنگ رفتاری مذهبی تلقی می‌شد، تبعیت از امامان معصوم(ع) بوده است؛ طوری که می‌توان آن را به عنوان فرهنگ تشیع تلقی کرد. شایان ذکر است که در نظام تشیع، مسأله‌ی شناخت امامت، مجرای شناخت خداوند نیز معرفی شده است. البته در این بین افرادی از شیعیان بودند که با ایشان مخالفت می‌کردند (یعقوبی، ۱۳۷۳ش، ج: ۳، ۶۶؛ کلینی، ۱۳۶۲ش، ج: ۲، ۱۸).

نقاط ضعف

مهم‌ترین نقاط ضعف جامعه‌ی شیعی در دوران امام باقر و امام صادق(ع) عبارت است از:

۱. ضعف اقتصادی شیعیان

شیعیان از بسیاری فرصت‌ها که غیرشیعیان می‌توانستند بهره‌مند شوند، محروم بودند. هم‌چنین امام باقر و امام صادق(ع) نیز آنان را از هرگونه همکاری و اشتغال به کارهایی که به گونه‌ای همکاری با حکومت جور شمرده می‌شد، منع کرده بودند. لذا شیعیان، از فرصت‌های شغلی آزاد، که کم‌تر به حکومت مربوط می‌شد، هم‌چون: تجارت و صرافی و کارهای خدماتی دیگر استفاده می‌کردند. شیعیان از لحاظ مالی و زندگی در یک طبقه نبودند؛ برخی از آن‌ها ثروت‌مند بودند. افرادی که زکات می‌پرداختند، در زمره‌ی شیعیان ثروت‌مند شمرده می‌شدند (طوسی، ۱۴۱۰ق، ج ۴: ۹۶؛ الحموی، ۱۹۹۰م، ج ۵: ۷۵؛ خویی، ۱۳۷۲ش، ج ۲۰: ۷۲ و ۱۵۷ و ج ۱: ۲۳۰ و ج ۷: ۶۱ و ج ۸: ۳۳؛ زبیدی، ۱۹۷۰م: ۲۰۴؛ کلینی، ۱۳۶۲، ج ۳: ۵۵۵). به‌همین ترتیب، فقر نیز در میان شیعیان عمومیت داشت. برخی از محققین در مورد فقر شیعه می‌گویند: تصادفی نیست اصحابی که بر جانشینی و خلافت امام علی(ع) اصرار می‌ورزیدند، متعلق به اکثریت فقیر بودند؛ یا از کسانی بودند که چون مال و مکتب بر آن‌ها عرضه شد، آن را نپذیرفتند. اساساً نیروهایی را که تحت لوای تشیع مبارزه کرده‌اند، یک رشته به‌هم مرتبط می‌سازد و آن عامل، فقر اقتصادی و فقدان ثروت است (العلوی، ۱۳۷۶: ۲۱).

۲. وضعیت خفقان سیاسی - اجتماعی حاکم بر شیعیان

بعد از واقعه‌ی کربلا و اقدام حکومت وقت در به‌شهادت‌رساندن امام حسین(ع) و به‌اسارت‌بردن خاندان اهل‌بیت(ع)، خفقان سنگینی بر جهان اسلام سایه افکند. اگرچه با قیام‌هایی مانند: قیام توابین، قیام مختار و ... جرقه‌ی امیدی در آن خفقان بود، ولی با سرکوب شدید آنان، این جرقه‌ی امید نیز محو شد. فشاری که از ناحیه‌ی اموی‌ها بر شیعه اعمال می‌شد، جز در دو سال حکومت عمر بن عبدالعزیز - از ۹۹ تا ۱۰۱ - در تمام دوران حکومت آنان به‌شدت ادامه داشت (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۶: ۳۶۰). بعد از این که عباسیان با شعار «الرضا من آل محمد» بر مسند خلافت تکیه زدند، در دوران حکومت منصور عباسی، شدیدترین فشارها بر شیعیان اعمال شد؛ به‌طوری که اصحاب امام(ع) به‌منظور صیانت خود از گزند منصور، به تقیه روی آوردند هم‌چنین سفارش‌های مکرر امام صادق(ع) بر تقیه، خود دلیل آشکاری بر وجود چنین فشار سیاسی‌ای بوده است. خطر هجوم بر شیعه چنان نزدیک بود که امام برای حفظ آنان، ترک تقیه را مساوی ترک نماز اعلام فرمود (احمد بن محمد بن خالد البرقی، ۱۳۷۱: ۱۱۹؛ جعفریان، ۱۳۸۱: ۲۸۳-۲۸۱).

۳. انشعاب و پیدایش فرقه‌های شیعی

شیعیان بعد از عاشورا به چند گروه تقسیم شدند: گروه اول امامیه، به‌رهبری امام باقر(ع) و امام صادق(ع) بود. گروه دوم زیدیه است که بعد از شهادت زید - فرزند امام سجاد(ع) -

سیاست متعالیه

- سال چهارم
- شماره سیزدهم
- تابستان ۹۵

راهبردهای سیاسی
صادقین(ع) در
مواجهه با انحرافات
سیاسی و فرهنگی
(۲۵ تا ۴۴)

(طبری، ۱۳۷۱، ج ۳: ۲۰۵-۲۰۸) فرزندش یحیی رهبر زیدیان شد (محری، ۱۳۸۲: ۱۵۱ و ۱۵۰). گروه سوم، حسینیان به رهبری عبدالله محض از فرزندان حسن بن حسن (حسن مثنی) هستند (مفید، ۱۳۷۶: ۱۱۹)؛ حسینیان چون دنبال خلافت و قدرت سیاسی بودند، اعتقادی به نصب امام از طرف خداوند به نص آشکار (برخلاف امامیه) یا پنهان (برخلاف زیدیه) نداشتند (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۳: ۳۰۵). گروه چهارم، حنفیان به رهبری محمدبن حنفیه بودند؛ وی بعد از شهادت امام حسین(ع) داعیه دار امامت نبوده است، ولی مقبولیت عامه (ابن جوزی، ۱۴۱۸ق: ۲۶۴) و منتسب بودن برخی گروه‌ها به وی قطعی است (اشعری قمی، ۱۳۶۱: ۲۱). وی در سال ۸۱ هجری قمری از دنیا رفت. حنفیان با مرگ وی، پسرش ابوهاشم را با اعتقاد به نص محمدبن حنفیه بر امامت وی، به امامت برگزیدند و پس از آن، ابوهاشم رسماً به عنوان امام حنفیان فعالیت خود را آغاز کرد. حنفیان نیز مانند سایر گروه‌ها بر علیه امویان مبارزه می‌کردند؛ البته فعالیت ایشان بعد از شکست قیام مختار بیش تر به صورت مخفیانه صورت گرفت (دفتری، ۱۳۷۵: ۷۶). حنفیان پس از مرگ ابوهاشم به فرقه‌های گوناگونی در آمدند؛ اما اغلب آنان انتقال امامت از وی به محمدبن علی عباسی(عباسیان) را پذیرفتند و به‌طور کامل در عباسیان هضم شدند (دفتری، همان: ۷۶؛ مسعودی، ۱۳۶۷، ج ۲: ۸۰-۸۱)

بنابراین پس از انشعاب شیعیان، جمعیت شیعه در مورد امام معصوم نیز دچار اختلاف شدند. احادیث شیعه بر انتخاب امام باقر و امام صادق(ع) به عنوان وصی و امام از طریق نص خاص، و هم‌چنین از سوی امامان قبلی وارد شده است؛ با این وجود، بخشی از چالش‌های امام باقر و امام صادق(ع)، حل و فصل منازعات داخلی شیعیان برای اثبات حقانیت امامت و مصداق واقعی بودن آل محمد بود که از جمله‌ی آن‌ها: ادعای امامت ابوهاشم (فرزند محمد حنفیه)، ادعای عبدالله محض برای امامت فرزندش «محمد نفس زکیه» و هم‌چنین زیدبن علی و یحیی بن زید را می‌توان نام برد (جعفری، ۱۳۷۳: ۲۸۹)؛ لذا در صحبتی که میان امام باقر(ع) با زید اتفاق افتاد، سعی امام بر تبیین مفهوم امامت و وظایف او به عنوان مفسر واقعی احکام الهی و جانشین رسول الله از طرف خدا بود و در این زمینه هم موفق به برگرداندن برخی از پیروان خود شد که به سوی زید رفته بودند. این موارد نشان‌گر آن است که در بین خاندان اهل بیت(ع) کسانی بودند که می‌خواستند امامت را به خود اختصاص داده و از آن بهره ببرند؛ هم‌چنین کسانی نیز بودند که می‌خواستند اختلافی بین صفوف شیعیان انداخته و از آن به نفع خود سوءاستفاده کنند؛ اما امام باقر و امام صادق(ع) با این تفکر مبارزه کرده و حافظ خط اصیل امامت بودند (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۳۵۴؛ کشی، ۱۳۴۸: ۲۷۶ و ۳۴۷؛ جعفری، ۱۳۷۳: ۲۹۰؛ شهرستانی، ۱۳۹۵ق، ج ۱: ۱۵۴؛ الموسوی، ۱۴۱۱ق: ۲۶-۲۷).

۴. قیام زید و فرزندش یحیی

زید - فرزند امام سجاد(ع) - با خون‌خواهی امام حسین(ع) و با شعار «یا منصور أمت» قیام کرد. قیام زید در زمان امامت امام صادق(ع) اتفاق افتاد، اما مقدمات آن در زمان امام باقر(ع) شکل گرفته بود. وی پس از پشت‌سر گذاشتن درگیری‌های لفظی با هشام بن عبدالملک بر ضد بنی‌امیه، در سال ۱۲۱ق قیام کرد، اما در اثنای جنگ به شهادت رسید و قیامش با شکست مواجه شد (مفید، ۱۳۷۶، ج ۲: ۱۷۱؛ بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۳: ۴۳۴-۴۳۳؛ طبری، ۱۹۸۷م، ج ۴: ۲۰۶؛ یعقوبی، ۱۳۷۳، ج ۲: ۲۹۹-۲۹۸). بعد از شهادت زید در سال ۱۲۱ق پسرش یحیی به خراسان رفت و در آن‌جا توسط "نصر بن سیتار" زندانی شد؛ اما پس از مرگ هشام از زندان گریخت و مردم زیادی از شیعیان خراسان، اطراف او جمع شدند. وی به سوی نیشابور آمد و با حاکم آن‌جا جنگید و او را شکست داد. در نهایت در سال ۱۲۵ق در جوزجان، هنگام جنگ با سپاه بنی‌امیه کشته شد و نیروهایش پراکنده شدند (مسعودی، ۱۳۶۷، ج ۲: ۲۱۰؛ محری، ۱۳۸۲: ۱۵۱ و ۱۵۰).

ویژگی‌های محیط بیرونی جامعه شیعی:

فرصت‌های جامعه‌ی شیعی

در دوره‌ی مذکور، مهم‌ترین فرصت‌های موجود در محیط خارجی جامعه‌ی شیعه عبارت بودند از:

۱. درگیری امویان و عباسیان

پس از این‌که بنی‌امیه به قدرت رسیدند، با روش‌های مختلفی ارتباط جریان اصیل و چهره‌ی درخشان اسلام ناب و معارف امامان معصوم(ع) را با جامعه قطع کردند. این حرکت تا دوران امام صادق(ع) ادامه یافت، تا این‌که در اوائل سده‌ی دوم هجری، عباسیان از فضای ضد اموی به‌وجودآمده در جامعه‌ی اسلامی استفاده کرده و با نام اهل‌بیت پیامبر(ص) با حکومت امویان درگیر شده و سبب ضعف و افول قدرت سیاسی خاندان آن‌ها شدند و در فرصت مناسب، امویان را از صحنه سیاسی جامعه‌ی اسلامی خارج کردند (طوقش، ۱۳۸۰: ۱۸۸).

۲. تأسیس حکومت عباسیان

دوره‌ی امامت امام صادق(ع) مصادف با دوره‌ی ضعف و تزلزل حکومت بنی‌امیه و افزایش تبلیغات بنی‌عباس بود. عباسیان از زمان "هشام بن عبدالملک" تبلیغات و مبارزات سیاسی خود را به‌صورت رسمی آغاز کردند و در اکثر نقاط ممالک اسلامی با شعار «الرضامن آل محمد» بر علیه امویان تحرکات سیاسی خود را به‌راه انداختند و در نهایت در سال ۱۳۲ هجری قمری توانستند سلسله‌ی امویان را از خلافت ساقط کرده و خود سوار بر کرسی خلافت شوند و بیش از ۵۰۰ سال بر ممالک اسلامی حکمرانی کنند (یعقوبی، ۱۳۷۳: ۴۴۳؛ الطبری، ج ۱: ۴۶۱۴؛ دینوری، ۴۰۰: ۱۳۷۱).

۳. رفع ممنوعیت حدیث

از اقدامات مهم بعد از رحلت پیامبر اکرم(ص) جلوگیری از کتابت و نقل احادیث پیامبر(ص) بود؛ البته این ممنوعیت به جزء مدت کوتاه حکومت امام علی و امام حسن(ع) را شامل می‌شود. در واقع، جلوگیری از نقل احادیث پیامبر(ص) با انگیزه‌های سیاسی انجام می‌شد تا معارف و بیانات آن بزرگوار در جامعه منتشر نشود. این عمل تا دوران امامت امام باقر(ع) نیز ادامه داشت و یکی از چالش‌های مهم امام باقر(ع) در متن حکومت اسلامی، عدم آشنایی مردم با معارف پیامبر(ص) بود؛ وقتی عمر بن عبدالعزیز به خلافت رسید، این بدعت را از میان برداشت (سیوطی، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ۶۴؛ مدیر شانه‌چی، ۱۳۶۲: ۳۰؛ السبجانی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۵۸-۷۳).

تهدیدهای جامعه شیعی:

مهم‌ترین تهدیدها در محیط خارجی جامعه شیعیان آن روزگار عبارت بودند از:

۱. جریان‌های فکری سیاسی عصر صادقین (ع)

۱. جبریه و قدریه

جریان فکری "جبریه" و "قدریه" در زمان حکومت معاویه ایجاد شدند؛ آن‌ها عقیده داشتند که انسان از خودش هیچ‌گونه اختیاری ندارد و مجبور است؛ لذا تمامی اعمالی که انجام می‌دهد، غیرارادی است و باید در برابر تمامی امور تسلیم باشد. در مقابل، قدریه اعتقاد داشتند هر بنده‌ای به وجود آورنده‌ی فعل خود است و خدا او را خلق کرده و تمامی امور را به خودش واگذار کرده است و انسان حتی در اسباب کار یا انگیزه‌ی آن هم مختار است (دستی، ۱۳۷۶، ج ۸: ۲۶۱).

۲. قیاس‌گرایی

جریان قیاس‌گرایی در زمان امام باقر و امام صادق(ع) ظهور کرد؛ مبتکر این جریان ابوحنیفه بود. جریان قیاس‌گرایی زمینه‌ی بسیاری از بدعت‌ها و انحرافات را به وجود آورد. شالوده و بنیان این جریان مسأله‌ی عمل به قیاس (مقایسه‌ی احکام خدا با یک‌دیگر) و استحسان بود. نتیجه‌ی قیاس و استحسان، در حقیقت به اعمال نظر شخصی و سلیقه‌ای در دین خدا و خروج از دستورالعمل پیامبر(ص) است (البرقی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۳۳۸؛ مشکور، ۱۳۶۸: ۳۵۸).

۳. مرجئه

مرجئه نیز یکی از فرقه‌های فکری بودند که دنبال توجیه ستم خلفای بنی‌امیه در قالب اندیشه‌های کلامی برآمدند. مرجئه بر این باور بودند که مرتکب گناهان کبیره، مخلد در دوزخ نمی‌ماند، بلکه کار او را به خدا وا می‌گذاشتند و به این دلیل آنان را مرجئه می‌خواندند.

سیاست متعالیه

- سال چهارم
- شماره سیزدهم
- تابستان ۹۵

راهبردهای سیاسی
صادقین(ع) در
مواجهه با انحرافات
سیاسی و فرهنگی
(۲۵ تا ۴۴)

مرجئه طرفدار روح امید و رجاء بود. آنان نیت و ایمان درونی را کافی می‌دانستند و عمل صالح را در جامعه لازم نمی‌دیدند و بر این باور بودند که خدا نیز بر آن بسنده می‌کند و عذاب‌شان نخواهد کرد (شهرستانی، ۱۳۹۵ق: ۶۰؛ حسینی، ۱۳۷۶، ج ۹: ۲۶۹).

۴. زنادقه

فعالیت زنادقه بر ایجاد شک و تردید در دین و القای شبهه در بین مردم بود. یکی از مستمسک‌های زنادقه در مجادله با مسلمانان، ترویج عقاید دهری‌گری بوده است. دهریون، دهر و زمان را سبب هلاک انسان و موجب اجرای تقدیر می‌دانستند و معتقد بودند که تنها، حیات این جهان اعتبار دارد و با مرگ انسان، همه‌چیز تمام می‌شود و آنچه که انسان را هلاک می‌کند و از بین می‌برد، گذشت زمان است (زرین‌کوب، ۱۳۸۶: ۵۰۴ - ۵۰۵).

۵. خوارج

خوارج پس از داوری بین امام علی(ع) و معاویه در جنگ صفین پدید آمدند. آنان امام علی(ع)، معاویه، عثمان و حکمین را کافر شمردند؛ چون قائل بودند که آنان حکمین را در مقابل حکم خدا انتخاب کرده‌اند، لذا مرتکب گناه کبیره شده‌اند. خوارج بر این باورند که مرتکب گناهان کبیره کافر است. آن‌ها در حکومت‌داری مخالف ارباب‌رعیتی بودند و با نظر مخلوق بودن قرآن به شدت مخالفت می‌کردند (طبرسی، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۱۷۴؛ شهرستانی، همان، ج ۱: ۵۰).

۶. رواج احادیث ساختگی و مجعول

یکی از مشکلاتی که در پی انحرافات عمیق پس از رحلت رسول اکرم(ص) - به‌جزء دوران امام علی و امام حسن(ع) - دامن‌گیر جهان اسلام شد، جلوگیری از تدوین احادیث پیامبر اسلام بود. آثار زیان‌بار این عمل سالیان طولانی بر پیشانی فرهنگ دینی جامعه‌ی اسلامی باقی ماند. نزدیک به یک قرن از نگاشتن و محفوظ داشتن احادیث نبوی(ص) جلوگیری شدید به‌عمل آمد و به‌جای آن، سیل عظیمی از تحریفات و احادیث ساختگی وارد جامعه شد. چون تدوین و نقل احادیث پیامبر ممنوع شده بود، آن‌ها از این فرصت استفاده کرده و روایات دروغ و بی‌اساس را به نفع حکومت و مشروع جلوه‌دادن ماهیت آن نقل می‌کردند. در این میان امام باقر و امام صادق(ع) رواج احادیث ساختگی و مجعول را بزرگ‌ترین تهدید برای جامعه‌ی اسلامی می‌دانستند و مانند سایر ائمه با آن به مقابله برخاستند (الذهبی، ۱۴۱۹ق، ج ۱: ۷؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۲۱ق، ج ۴: ۶۳-۶۸ و ج ۱۱: ۴۴-۴۶؛ پیشوایی، ۱۳۷۵: ۳۲۵).

۷. عملکرد حکومت‌های وقت

بعد از واقعه‌ی عاشورا، امویان به‌صورت آرام بر تمامی ممالک اسلامی سیطره پیدا کرده و اهل بیت پیامبر(ص) را از جامعه‌ی اسلامی دور کردند. این سیاست تا پایان حکومت امویان

ادامه داشت. هم‌چنین وقتی عباسیان به حکومت رسیدند، منصور دوانیقی نیز عرصه را چنان بر شیعیان تنگ کرد که امام صادق(ع) مجبور شد یاران خود را امر به تقیه کند. این فضا در مدت حکومت امویان و عباسیان هم‌چنان ادامه داشت و تهدید جدی برای شیعیان به‌شمار می‌رفت (جعفریان، ۱۳۸۱: ۳۲۵-۳۱۷؛ القرشی، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۵۱-۵۲).

شکل: راهبرد ارائه شده با الگوی ضعف - تهدید در روش تحلیل SWOT

	عوامل استراتژیک	w (ضعف)
	t (تهدید)	w t
محیط خارجی	راهبرد ارائه شده	۱. تقیه ۲. مدارا ۳. تولی ۴. تبری

سیاست متعالیه

- سال چهارم
- شماره سیزدهم
- تابستان ۹۵

راهبردهای سیاسی
صادقین(ع) در
مواجهه با انحرافات
سیاسی و فرهنگی
(۲۵ تا ۴۴)

راهبردهای سیاسی امام باقر و امام صادق(ع)

بعد از واقعه‌ی عاشورا، حکومت‌های وقت از پتانسیل شیعیان آگاهی یافته و آن‌ها را در سختی و تنگنا نگه داشته و مورد آزار و اذیت قرار دادند. این سختی و مشکلات باعث شد شیعیان زندگی سختی را داشته باشند و متحمل دردها و رنج‌های فراوانی شوند. البته با تحمل مشکلات و مصائب از عقاید خود دست برنداشته و حاکمیت غیر ائمه‌ی معصومین(ع) را قبول نمی‌کردند؛ آن‌ها در مقابل مشکلات و شکنجه‌های حکومت، صبر و استقامت می‌ورزیدند. امامان معصوم(ع) به‌خصوص صادقین(ع) نیز بر امر استقامت و صبر در برابر مشکلات و پای‌بندی به ولایت ائمه‌ی معصومین(ع) تأکید داشتند. به‌خاطر همین مساله، ایشان با توجه به شرایط سیاسی جامعه‌ی اسلامی در عصر امویان و عباسیان، در کنار اسقامت و صبر، راهبرد تقیه و مدارا را نیز برای شیعیان ارائه کردند؛ چون با وجود تقیه و کتمان حقایق در دل خود، خوف آن می‌رفت که شیعیان در مذاهب دیگر هضم شوند و اثری از تشیع باقی نماند، لذا امام باقر(ع) و امام صادق(ع) با تأکید نسبت به شناخت دوستان و دشمنان اهل‌بیت(ع) راهبرد تولی را برای دوست‌داشتن اهل‌بیت(ع) و تبری را برای کینه و دشمن‌داشتن مبغضین اهل‌بیت(ع) ارائه کردند تا شیعیان با عمل به این چهار راهبرد، هم از خطرات مصون بمانند و هم در راه خود ثابت قدم باشند و از راه ولایت منحرف نشده و به سرمنزل سعادت نائل آیند. در ادامه راهبردهای چهارگانه‌ی فوق تبیین می‌شوند:

۱. راهبرد تقیه

«تقیه» در لغت به‌معنای نگاه داشتن، پرهیز کردن و پنهان نمودن است. در منابع اسلامی، تقیه به‌معنای نگاه‌داری خود از صدمه‌ی دیگری از راه ابراز موافقت با او در گفتار یا رفتار مخالف حق است؛ به تعبیر شیخ مفید: تقیه یعنی پنهان کردن حق و پوشاندن اعتقاد خود در

برابر مخالفان، به منظور اجتناب از ضرر دینی یا دنیایی است. در تقیه، برخلاف نفاق - که موضوع آن تظاهر به حق و پنهان کردن شرک و باطل است - شخص مؤمن به دلیل ترس از زیان مالی یا جانی برای خود یا دیگری، از اظهار حقیقت خودداری می کند (ابن منظور، ۱۳۶۳، ج ۱۵: ۴۰۲ و ۴۰۱).

یکی از مهم ترین راهبردی که در گفتار و رفتار امامان شیعه به آن برخورد می کنیم، تقیه است. در میان ائمه ی معصومین (ع)، صادقین (ع) که در سیاه ترین دوران اموی و عباسی زندگی می کردند به این امر مهم تأکید داشتند؛ چون جامعه ی شیعی در موقعیتی نبود که بتواند معارف خود را علنی کند، لذا صادقین (ع) شیعیان را بر تقیه امر می کردند. هم چنین راهبرد تقیه را برای عصر غیبت نیز ارائه فرمودند تا زمانی که که شیعیان نیروی کافی برای نشر معارف خود نداشتند، به امر تقیه روی آورند. ایشان با لحاظ کردن تهدیدهایی که از بیرون جامعه ی شیعی را تهدید می کرد و هم چنین ضعف هایی که در درون جامعه ی شیعی وجود داشت، برای حفظ و دوری آنان از گزند مخالفان، راهبرد تقیه را ارائه نمودند. در ادامه ی راهبرد تقیه، به روایاتی از صادقین (ع) در این مورد اشاره می شود:

۱-۱. روایات امام باقر (ع) درباره ی وجوب و لزوم تقیه

امام باقر (ع) نسبت به اهمیت تقیه می فرماید: تقیه، دین من و دین پدران من است و کسی که تقیه ندارد، ایمان ندارد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵: ۴۳۱). از امام باقر (ع) روایت شده است که فرمودند: تقیه در هر چیزی برای آدمی، خواه ناخواه پیش می آید و خدا هم به همین جهت آن را حلال فرموده است. (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۲۲۰). ایشان هم چنین در مورد عمل به تقیه فرمودند: «عمل به تقیه، برای حفظ برادران ایمانی است و اگر عمل مذکور، بیم ناکی را از هراس رهانده و حفظ نماید، شریف ترین علائم کرم و بزرگواری است» (حر عاملی، ۱۳۲۳، ج ۱۱، باب ۲۸). امام باقر (ع) در توصیه به شیعیان و دوستان شان می فرمودند:

«موالیان ما! همیشه ملازم با تقیه باشید. همانا کسی که در حال ایمنی و نزد افراد بی آزار تقیه را شعار و لباس خود ننماید، تا عادت او شده و در مورد خوف و نزد ستمکار فراموش نکند، از ما نیست» (حر عاملی، ۱۳۲۳، ج ۱۱، باب ۲۸).

۱-۲. روایات امام صادق (ع) درباره ی وجوب و لزوم تقیه

امام صادق همانند امام باقر می فرمایند:

«تقیه آئین من و آئین پدران من است؛ کسی که تقیه ندارد دین ندارد. تقیه سپر نیرومند پروردگار در زمین است، چرا که اگر مؤمن آل فرعون ایمان خود را اظهار می کرد، مسلما کشته می شد» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۵۲۱).

ابن ابی یعفور از امام صادق(ع) نقل می کند که حضرت فرمودند:

«به خاطر حفظ دیتان تقیه کنید و آن را با تقیه مخفی نگاه دارید؛ زیرا هر کس که تقیه ندارد ایمان ندارد. همانا شما در میان مردم مانند زنبور عسل در میان پرندگانید؛ اگر پرندگان می دانستند که در درون زنبور عسل چیست، از آن ها چیزی باقی نمی گذاشتند و اگر مردم (مخالفین) بدانند که در قلبتان محبت ما اهل بیت را دارید، شما را با زبان شان نابود می ساختند و در نهان و آشکار به شما ناسزا می گفتند. خدا بیا مرزد آن بندهای را که ولایت ما را داشته باشد» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۲۱۸).

روایات وارده حکایت از جو سنگینی دارد که در دوران این دو امام بزرگوار بر جامعه حاکم بود و ایشان نیز با تدبیر و هوشمندی کامل، تقیه را به عنوان راهبرد مبارزه‌ی منفی و راه خروج شیعیان از آن بحران در پیش گرفتند.

۲. راهبرد مدارا

مدارا در لغت به معنای ملاحظت، نرمی و احتیاط کردن؛ و هم چنین به معنای لطف در برابر زور نیز آمده است. در مرآة العقول در تعریف مدارا آمده است:

«مدارا به معنای حلم، بردباری، تغافل، نرم خوئی، رأفت، ترک زور، و عدم خشونت در سخن با مخالفین در تمام حالات است؛ چه این که از طرف مقابل خلافتی نسبت به انسان سربرزند یا نه» (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳: ۱۶۷؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۲۳۳).

ارائه‌ی راهبرد مدارا از سوی امام باقر و امام صادق(ع) در دوران حکومت امویان و عباسیان، نشان‌گر طبیعی و عادی نبودن شرایط زندگی شیعیان است. در این میان ایشان تأکید داشتند که آن‌ها در مقابل حاکمیت مدارا کرده و مقابله به مثل نکنند. در این بخش، صادقین(ع) با در نظر گرفتن ضعف‌های درون جامعه‌ی شیعی و تهدیدهای موجود در بیرون آن، راهبرد مدارا را ارائه کردند تا در چنین شرایطی شیعیان با تأسی به کلام امامان معصوم با مخالفان خود رفتار نمایند. با ذکر این روایات در می‌یابیم که مدارا و حسن معاشرت با مخالفین برای شیعیان از نظر امامان شیعه(ع) لازم و ضروری بوده است؛ چون با این کار، چند امر مهم محقق می‌شود: اول: دشمنان اسلام نمی‌توانند در بین صفوف مسلمانان رخنه کرده و آن را نابود کنند. دوم، باعث عدم بروز حساسیت‌های مذهبی در بین مسلمین می‌شود. دیگر این که جامعه‌ی شیعه از خطرات احتمالی مخالفین و حاکمیت محفوظ مانده و باعث تدام تشیع می‌شود.

امام صادق(ع) درباره‌ی مدارا و چگونگی معاشرت با مخالفین می‌فرماید:

سیاست متعالیه

- سال چهارم
- شماره سیزدهم
- تابستان ۹۵

راهبردهای سیاسی
صادقین(ع) در
مواجهه با انحرافات
سیاسی و فرهنگی
(۲۵ تا ۴۴)

«نظر به امامان خود کنید؛ کسانی که به آنها اقتدا می‌نمایید، هرکاری که آنان کردند شما نیز چنین کنید. به خدا سوگند که امامان شما بیماران آنها را عیادت می‌کنند و در تشییع جنازه‌شان حاضر می‌شوند و به نفع و ضرر آنها گواهی می‌دهند و امانت را به آنها باز می‌گردانند» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۸، ۲۳۳).

هم‌چنین امام صادق(ع) خطاب به "زیدبن حشام" درباره‌ی معاشرت و تعامل با مخالفین می‌فرماید:

«ای زید! با مردم [یعنی عامه و اهل تسنن] با اخلاق خودشان معاشرت کنید. در مساجدشان نماز بگذارید و مریضان‌شان را عیادت کنید و در تشییع جنازه های‌شان حاضر شوید و اگر توانستید امام جماعت یا مؤذن آنها شوید، این کار را بکنید؛ که اگر شما چنین عمل کردید، خواهند گفت: اینان جعفریان‌اند؛ خدا او را رحمت کند، چه اصحابش را خوب تربیت کرده است و اگر این امور را ترک نمودید خواهند گفت: اینان جعفریان‌اند؛ خداوند جزایش را بدهد، چه اصحابش را بد تربیت کرده است» (حرعاملی، ۱۳۶۲، ج ۸، ۴۳۰).

بر اساس آنچه نقل شد، یکی از مهم‌ترین اموری که باعث حفظ جامعه‌ی شیعی در بین سایر گروه‌ها و مذاهب اسلامی است، مدارا و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز با جریان‌های غالب و حاکمیت می‌باشد. صادقین(ع) با هوشمندی کامل برای مصون‌ماندن شیعیان از خطرات دشمنان، این راهبرد را به شیعیان توصیه و تاکید می‌کردند؛ چون با انجام این کار، اموال و نفوس آنها محفوظ مانده و در نتیجه می‌توان معارف اصیل امامان را در جامعه نشر و گسترش داد.

۳. راهبرد تولی

«تولی» بر وزن "ترقی" مصدر باب تفعّل از ماده‌ی «ولی» و در لغت به معنای پذیرش ولایت و کسی را ولیّ خود قرار دادن است. ولیّ در زبان عرب به معنای دوست، یاور و سرپرست آمده است. چنان‌که مصدر آن «ولایت» نیز به معنای دوستی، یآوری و سرپرستی استعمال شده است. بنابراین تولی هم می‌تواند به معنای پذیرش دوستی و کسی را دوست خود قرار دادن باشد، و هم می‌تواند به معنای پذیرش سرپرستی و کسی را سرپرست خود قرار دادن به کار گرفته شود. اما با توجه به موارد استعمال این کلمه در آیات و روایات می‌توان گفت که دوستی و سرپرستی، لازم و ملزوم یک‌دیگرند و پذیرش دوستی، مقدمه‌ی پذیرش سرپرستی است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۵: ۶۲۷۲؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۵۴۳).

همان‌گونه که درباره‌ی شرایط سیاسی اجتماعی شیعیان عصر صادقین(ع) گفته شد، به‌لحاظ شرایط خفقانی که شیعیان را احاطه کرده بود و آنها به‌راحتی نمی‌توانستند با یک‌دیگر ارتباط برقرار کنند؛ و هم‌چنین به‌خاطر حفظ جان خود به تقیه و مدارا امر شده

بودند، ترس آن می‌رفت که جامعه‌ی شیعی در مدت زمانی، به دلیل تقيه و آشکارنکردن اعتقادات خود در دل سایر مذاهب اسلامی هضم شده و چیزی از تشیع باقی نماند. لذا صادقین(ع) برای حفظ و تقویت اعتقادات آنها، استراتژی تولی و تبری را نیز مطرح کردند تا شیعیان در عین این که ظواهر خود را هم‌سان حاکمیت قرار می‌دهند، اما در دل محبت به اهل بیت(ع) و دشمنی دشمنان اهل بیت(ع) را داشته باشند. این حرکت یک معیار و راهبرد از طرف ایشان برای شیعیان ارائه گردید.

درباره‌ی تولی، روایات متعددی از امام باقر و امام صادق(ع) نقل شده است که در ادامه، در قالب راهبرد تولی مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱-۳. روایات امام باقر(ع) درباره‌ی راهبرد تولی و محبت به امام عصر(عج)

امام باقر(ع) روایاتی را برای شیعیان درباره‌ی محبت و ولایت‌مداری نسبت به اهل بیت(ع) و امام زمان(عج) ارائه فرموده‌اند. از آن جمله، ابو حمزه ثمالی (ره) درباره‌ی اهمیت ولایت اهل بیت(ع) از امام باقر(ع) چنین نقل می‌کند: به حضرت باقر(ع) گفتم: یا بن رسول‌الله(ص)! فدایت شوم، شخصی روز روزه‌دار و شب به عبادت می‌گذراند و صدقه می‌دهد و جز خیر و خوبی از او نمی‌دانم؛ جز آن که اقرار به ولایت شما ندارد؟ می‌گوید: امام(ع) تبسم کرد و فرمود: ای ثابت! من در برترین مکان‌های زمین هستم؛ اگر بنده‌ای همیشه در سجده در میان رکن و مقام باشد، تا پایان عمر که از دنیا برود، ولی ولایت ما را ننشاند، این عبادت سودی به حال او ندارد (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱: ۱۵۰). امام باقر(ع) درباره‌ی محبت نسبت به مهدی موعود(عج) نیز فرموده‌اند: «هر کس دوست دارد خدا را ملاقات کند، در حالی که ایمانش کامل و اسلامش نیکو باشد، پس دوست‌دار حضرت حجت صاحب‌الزمان منتظر باشد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۶: ۲۹۶). بنابراین، ایمان با محبت و ولایت امام عصر(عج) کامل می‌شود و یکی از وظایف شیعیان، دوستی ایشان و تقویت آن در قلوبشان است.

۲-۳. روایات امام صادق(ع) درباره‌ی راهبرد تولی و محبت به امام عصر(عج)

امام صادق(ع) نیز روایاتی را برای شیعیان درباره‌ی محبت و ولایت‌مداری نسبت به اهل بیت(ع) و امام زمان(عج) ارائه فرموده‌اند که در جای خود قابل تامل است. آن حضرت درباره‌ی محبت و دوستی نسبت به اهل بیت(ع) در زمان غیبت ایشان می‌فرمایند:

«چون به روزی گرفتار شدی که در آن امامی از آل محمد [صلی‌الله‌علیه‌وآله]

را ندیدی، پس دوست بدار هر که را دوست می‌داشتی، و دشمن بدار هر که را

دشمن می‌داشتی؛ و به ولایت هر که سر می‌سپردی گردن گذار و امر فرج را

صبح و عصر منتظر باش» (النعمانی، ۱۴۰۳ق: ۱۰۴).

در حدیثی از امام صادق (ع) که ایشان از پدرانیش و آنها از امام علی (ع) نقل کرده‌اند، آمده است که امیرالمومنین (ع) فرمودند:

«برادرم رسول خدا به من فرمود: کسی که دوست دارد خدا را ملاقات کند در حالی که ایمانش کامل و اسلامش نیکوست، پس باید تحت ولایت حجت صاحب‌الزمان قرار گرفته و او را دوست بدارد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۶: ۲۹۶).

راهبرد تولی که تبلور روایات نورانی فوق است، بیان‌گر این مطلب است که اگر شیعیان بخواهند در عصر غیبت هم‌چنان بر روی خط اصیل اسلامی حرکت کنند و منحرف نشوند، باید تولی خود را نسبت به کسانی که خداوند در قرآن فرموده، حفظ کنند؛ و الا دچار مشکلات همان کسانی می‌شوند که از مسیر ولایت دور شده‌اند. این راهبرد در عین ظرافت، مرز بین هدایت و گمراهی را در خود نشان می‌دهد.

۴. راهبرد تبری

«تبری» بر وزن «ترقی» مصدر باب تفاعل از ماده‌ی «برء» و به معنای بیزاری جستن، بیزار شدن و دوری گزیدن آمده است و در اصطلاح نیز به معنی دشمنی و بیزاری از دشمنان آنان و لعن و نفرین بر آنهاست (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۴: ۵۷۵). طبق روایات وارده از امامان معصوم (ع) یکی از مهم‌ترین وظایف شیعیان، بیزاری جستن از دشمنان اهل بیت (ع) است؛ لذا در روایات، تبری به عنوان معیاری برای تشخیص مرز بین ایمان و عدم ایمان لحاظ شده است. امام باقر و امام صادق (ع) با استفاده از نقاط ضعف و تهدید موجود در درون و بیرون جامعه‌ی شیعی، راهبرد تبری را برای شیعیان به عنوان قطب تکمیل‌کننده‌ی تولی ارائه کردند.

۴-۱. روایات امام باقر (ع) درباره‌ی راهبرد تبری

امام باقر (ع) درباره‌ی معیار معرفت خدا به ابی حمزه فرمودند:

«کسی خدا را عبادت می‌کند که او را شناخته باشد و اگر کسی خدا را نشناسد او را گمراهانه عبادت می‌کند. ابی حمزه می‌گوید: از آن حضرت پرسیدم: شناخت و معرفت خدا چیست؟ فرمود: تصدیق و باور به خدا و باور به رسول خدا و ولایت علی (ع) را داشتن و امامت و پیشوایی او و پیشوایان هدایت را پذیرفتن و از دشمنان آنها در نزد خدا بیزاری جستن، حقیقت معرفت خداست» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۱۸۰).

۴-۲. روایات امام صادق (ع) درباره‌ی راهبرد تبری

امام صادق (ع) درباره‌ی دشمنی نسبت به دشمنان اهل بیت (ع) در زمان غیبت می‌فرماید:

«چون به روزی گرفتار شدی که در آن امامی از آل محمد [ص] را ندیدید، پس دوست بدار هر که را دوست می‌داشتی و دشمن بدار هر که را دشمن می‌داشتی و به ولایت هر که سر می‌سپردی، گردن گذار و امر فرج را صبح و عصر منتظر باش» (النعمانی، ۱۴۰۳ق: ۱۰۴).

هم‌چنین در روایات آمده است که به امام صادق(ع) گفتند: شخصی شما را دوست دارد، اما در برائت از دشمن شما ضعیف است. حضرت در جواب وی فرمودند: هرگز چنین نیست؛ دروغ می‌گوید هر کس که ادعا می‌کند دوست ماست ولی از دشمن ما بی‌زاری نجوید (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۷: ۵۸).

یکی از مهم‌ترین وظایف شیعیان، اعلام برائت از دشمنان اهل بیت(ع) است. هم‌چنان‌که روایات فوق از اهمیت این مقوله حکایت می‌کنند، لذا شیعیان با داشتن تولی نسبت به امامان معصوم(ع) و هم‌چنین با بی‌زاری جستن از دشمنان آن‌ها، حلقه‌ی ارتباطی خود با امامان‌شان را محکم می‌کنند. لذا تبری، به‌عنوان یکی از راهبردهای دو امام بزرگ‌وار برای حفظ راه ولایت و امامت برای شیعیان ارثه شده است.

نتیجه‌گیری

بازشناسی شرایط سیاسی دوره‌ی امام باقر(ع) و امام صادق(ع)، رویکرد این تحقیق را به این سمت جهت داد که آن شرایط دشوار، آسیب‌ها و دشواری‌هایی را برای شیعه ایجاد نموده بود؛ علاوه‌براین، فرصت‌هایی هم وجود داشته است. برآیند آن عنصر، امامان شیعه را به این امر وامی‌داشت که به‌منظور استمرار اطاعت و تبعیت محض شیعه از امام و استمرار ارتباط وثیق آن‌ها با عنصر رهبری و امامت، با برآورد ضعف‌ها و قوت‌ها، برای برون‌رفت از وضع بحرانی و مصون‌ماندن شیعیان از خطرات حاکمیت، راهبردهایی را در اختیار شیعیان قرار دهند. مقاله‌ی حاضر این راهبردها را بر اساس چارچوب و الگوی روشی (سوات - SWOT) مورد بررسی قرار داد و با تلفیق الگوی راهبردی ضعف - تهدید؛ راهبرد سیاسی: تقیه، مدارا، تولی و تبری از صادقین(ع) را برای شیعیان بررسی و تبیین نمود.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی‌الحدید (۱۴۲۱ق). شرح نهج‌البلاغه. تحقیق: محمدابوالفضل ابراهیم. تهران: انتشارات کتاب آوند دانش.
۳. ابن جوزی، سبط (۱۴۱۸ق). تذکره الخواص. قم: شریف رضی.

۴. ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۷۵). مقدمه ابن خلدون. ترجمه: محمد پروین گنابادی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی (چاپ نهم).
۵. ابن سعد، محمد بن سعد کاتب (۱۳۷۴). الطبقات الكبرى. ترجمه: محمود مهدوی دامغانی. تهران: فرهنگ و اندیشه.
۶. الاشعری القمی، سعد بن عبدالله (۱۳۶۱). المقالات و الفرق. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۷. البرقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱). المحاسن. قم: دارالکتب الاسلامیه.
۸. البلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷ق). جمل من انساب الأشراف. تحقیق: سهیل زکار و ریاض زرکلی. بیروت: دارالفکر.
۹. پیرس، جان و ریچارد کنت رابینسون (۱۳۸۰). برنامه ریزی و مدیریت استراتژیک. مترجم: سهراب خلیلی شورینی. تهران: انتشارات یادواره کتاب (چاپ دوم).
۱۰. پیشوایی، مهدی (۱۳۷۵). سیره ی پیشوایان. قم: انتشارات مؤسسه امام صادق (ع) (چاپ سوم).
۱۱. جعفریان، رسول (۱۳۸۱). تاریخ ایران اسلامی. تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر (چاپ سوم).
۱۲. _____ (۱۳۸۱). حیات فکری و سیاسی امامان شیعه (ع). قم: انتشارات انصاریان (چاپ ششم).
۱۳. حسینی دشتی، سید مصطفی (۱۳۷۶). معارف و معاریف. قم: انتشارات صدر.
۱۴. الحموی (یاقوت)، ابو عبدالله (۱۹۹۰م). معجم البلدان. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۵. الخویی، ابوالقاسم (۱۳۷۲). معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة. قم: مرکز نشر الثقافه الاسلامیه.
۱۶. دفتری، فرهاد (۱۳۷۵). تاریخ و عقاید اسماعیلیه. ترجمه: فریدون بدره‌ای. تهران: انتشارات فرزاد.
۱۷. دینوری، ابوحنیفه (۱۳۷۱). اخبار الطوال. ترجمه: محمود مهدی دامغانی. تهران: نشر نی (چاپ چهارم).
۱۸. الذهبی، شمس‌الدین محمد (۱۴۱۹ق). تذکره الحفاظ. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۹. الزبیدی، محمدحسین (۱۹۷۰م). الحیاة الاجتماعیه و الاقتصادیه فی الکوفه فی القرن الاول الهجری. بغداد: انتشارات جامعه بغداد.
۲۰. زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۸۶). تاریخ ایران بعد از اسلام. تهران: انتشارات امیر کبیر (چاپ یازدهم).
۲۱. السبحانی، جعفر (۱۴۱۰ق). بحوث فی الملل و النحل. قم: لجنة اداره الحوزه العلمیه قم المقدسه (الطبعة الثانية).
۲۲. السیوطی، عبدالرحمن بن أبی بکر (۱۴۰۹ق). تدريب الراوی فی شرح تقریب النوای. بیروت: دارالکتب العربی.
۲۳. الشریف القرشی، باقر (۱۴۰۴ق / ۱۹۸۴م). حیاة الامام الباقر (ع). بیروت: مؤسسه الوفاء

(چاپ دوم).

۲۴. شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۹۷ق). مناقب آل ابی طالب. تصحیح: رسولی محلاتی. قم: انتشارات علامه (چاپ چهارم).
۲۵. الشهرستانی، ابی‌الفتح محمد بن عبدالکریم (۱۳۹۵ق). کتاب الفصل فی الملل و الالهواء و النحل. بیروت: دار المعرفه للطباعة والنشر.
۲۶. روشندل، جلیل (۱۳۷۰). تحول در مفهوم استراتژی (مجموعه مقالات اولین سمینار بررسی تحول مفاهیم). تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۲۷. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن. ترجمه: موسوی همدانی، محمدباقر. قم: دفتر انتشارات اسلامی (چاپ پنجم).
۲۸. الطبرسی، ابی‌منصور احمد بن علی بن ابیطالب (۱۴۱۶ق). الاحتجاج. قم: دارالاسوه (الطبعة الثانية).
۲۹. الطبری؛ محمد بن جریر (۱۹۸۷م). الامم و الملوک (تاریخ الطبری). بیروت: مؤسسه عزالدین.
۳۰. طقوش، محمد سهیل (۱۳۹۱). دولت امویان. ترجمه: حجت‌الله جودکی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم (چاپ ششم).
۳۱. العاملی، شیخ حر (۱۳۲۳ق). وسائل الشیعه. تهران: چاپ امیر بهادر.
۳۲. العاملی، جعفر مرتضی (۱۴۰۹ق). دراسات و بحوث فی التاریخ و الاسلام. قم: جماعة المدرسین فی الحوزه العلمیه بقم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۳۳. العلوی، حسن (۱۳۷۶). شیعه و حکومت در عراق. ترجمه: محمد نبی ابراهیمی. تهران: انتشارات سوره مهر.
۳۴. عمادزاده، حسین (۱۳۶۲). زندگانی معلم کبیر حضرت امام صادق (ع). تهران: انتشارات گنجینه.
۳۵. قمی، حسن بن محمد (۱۳۶۱). تاریخ قم. ترجمه: حسن بن علی قمی؛ تحقیق سید جلال‌الدین تهرانی. قم: انتشارات توس.
۳۶. قمی، شیخ عباس (۱۳۷۹). منتهی‌الآمال. تحقیق: ناصر باقری بیدهدی. قم: انتشارات دلیل.
۳۷. الکشی، محمد بن عمر (۱۳۴۸ق). اختیار معرفة الرجال (المعروف برجال الکشی). تلخیص: محمد بن حسن طوسی؛ مصحح: حسن مصطفوی. مشهد: دانشگاه مشهد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، مرکز تحقیقات و مطالعات.
۳۸. کلینی، محمد (۱۳۶۲). اصول کافی. ترجمه: محمدباقر کمرهای. تهران: اسلامیه (چاپ دوم).
۳۹. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. بیروت: بی‌نا (چاپ دوم).
۴۰. محرمی، غلام‌حسین (۱۳۸۲). تاریخ تشیع از پیدایش تا پایان غیبت صغری. بی‌جا: انتشارات نصاب.
۴۱. محمدجعفری، سید حسین (۱۳۷۳). تشیع در مسیر تاریخ. ترجمه: سید محمدتقی آیت‌اللهی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی چاپ (هفتم).
۴۲. مدیر شانه‌چی، کاظم (۱۳۶۲). علم الحدیث و درایة الحدیث. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم (چاپ سوم).

سیاست متعالیه

- سال چهارم
- شماره سیزدهم
- تابستان ۹۵

راهبردهای سیاسی
صادقین(ع) در
مواجهه با انحرافات
سیاسی و فرهنگی
(۲۵ تا ۴۴)

۴۳. مسعودی، علی بن حسین (ابوالحسن) (۱۳۶۷). مروج الذهب و معادن الجواهر. ترجمه: ابو القاسم پاینده. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی (چاپ سوم).
۴۴. مشکور، محمدجواد (۱۳۶۸). فرهنگ فرق اسلامی. مشهد: آستان قدس رضوی.
۴۵. مفید (شیخ مفید)، محمد بن محمد بن نعمان (۱۳۷۶). الارشاد. ترجمه: محمداقبر ساعدی خراسانی. تهران: ناشر اسلامی (چاپ سوم).
۴۶. مقدسی، مطهر بن طاهر (۱۳۷۴). آفرینش و تاریخ. ترجمه: محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: انتشارات آگه.
۴۷. المقریزی، تقی‌الدین ابوالعباس احمد بن علی (۱۴۱۸ق). المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار. بیروت: دار الصادر.
۴۸. الموسوی، عباس علی (۱۴۱۱ق). فی رحاب الصحیفه السجادیه علی بن حسین (ع). بیروت: انتشارات دارالمرتضی.
۴۹. النعمانی، محمد بن ابراهیم بن جعفر (۱۴۰۳ق). کتاب الغیبه. بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
۵۰. النوری، حسین (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل‌البيت (ع).
۵۱. واسطی زبیدی، محب‌الدین سید محمد مرتضی (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس. محقق و مصحح: علی شیری. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۵۲. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۳۷۳). تاریخ یعقوبی. قم: انتشارات شریف رضی.
۵۳. شریف‌الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق). نهج البلاغه (صبحی صالح). قم: بی‌نا.
۵۴. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. مصحح: هاشم رسولی، فضل‌الله یزدی طباطبایی. تهران: ناصر خسرو.
۵۵. المجلسی، محمداقبر (۱۴۰۴ق). مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول. محقق و مصحح: هاشم رسولی محلاتی. تهران: دارالکتب الإسلامیة (چاپ دوم).
۵۶. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). لغتنامه. تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.